فصلنامه حقوق اداری
سال هشتم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۲۵

اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری در آیینه نظارت قضایی نظام‌های حقوقی انگلستان، فرانسه و ایران

فاطمه افشاری[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

چکیده

دو مفهوم سوءاستفاده از اختیار و اشتباه مقام اداری، ذیل مبنای نقض قانونمداری به عنوان یکی از جهات نظارت قضایی در نظام‌های حقوقی انگلستان، فرانسه و ایران به شمار می‌روند که در آن، مقام اداری با وجود صلاحیت قانونی و اقدام در محدوده صلاحیت خود و مطابق با ظاهر قانون، داخل محدوده صلاحیت، نقض‌قانون می‌نماید؛ بنابراین، باید محتوای تصمیم، انگیزه و هدف آن بررسی شود. مسأله مهم در این پژوهش آن است که با توجه به مبنای واحد در این دو مفهوم برای نظارت قضایی؛ ناظر قضایی چگونه می‌تواند میان مفاهیم تمایز قائل شود و نظارت صحیح را بر هریک اعمال کند؟ به نظر می‌رسد برای تمایز میان این دو مفهوم در مسیر نظارت قضایی، باید به بررسی مقایسه‌ای ارکان این مفاهیم توجه داشت؛ ازاین‌رو، در پژوهش حاضر با روش بررسی توصیفی-تحلیلی و مطالعه تطبیقی، دو مفهوم در سه نظام حقوقی انگلستان، فرانسه و ایران بررسی شد و این نتیجه حاصل شد که تمایز این دو مفهوم در عرصه نظارت قضایی، از مفهوم برخاسته است؛ بدین‌ترتیب که ارکان اساسی در سوءاستفاده از صلاحیت، عدم‌تحقق هدف مدنظر قانون‌گذار همراه با وجود علم به هدف قانون‌گذار و عمد در عدم‌اجرای آن است: حال، چه هدف و انگیزه وی، تأمین منافع شخصی مانند: سود خصوصی، سود شخص ثالث یا برای انتقام‌گیری شخصی یا با هدف تأمین نفع عمومی باشد؛ اما در اشتباه، مقام اداری؛ ناآگاهانه این صلاحیت را در غیرهدف قانون‌گذار به کار می‌برد و اعتقاد جازم و ظن قوی بر صحیح‌بودن عمل خود و صحت تصورش دارد.

کلیدواژگان: اشتباه، سوءاستفاده از اختیار، مقام اداری، نظارت قضایی، حقوق اداری.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه قوه قضائیه؛ afshari399@jri.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

مقدمه

یکی از مفاهیم نظارت قضایی، نظارت دادگاه‌ها، اعم از دادگاه‌های عمومی یا دادگاه‌های اداری بر قانونی بودن اقدامات و تصمیمات اداری است (هداوند،۱۳۸۷: ۱۶). مراجع قضایی در فرآیند نظارت بر نهادها و تصمیمات اداری، دارای صلاحیت عام رسیدگی نسبت به شکایات، تظلّمات و اعتراضات نسبت به واحدها، مأمورین و مقرّرات دولتی هستند که ثمره این نظارت، تضمین برخورد منصفانه با شهروندان از سوی اداره، منطقی و معقول‌شدن تصمیمات، جلوگیری از خودسری و الزام به پای‌بندی به قوانین و عدم‌خروج از حدود اختیارات خواهد بود.

(Richardson,1996:351;Deleo,2008:172) .

موضوع اصلی در نظارت قضایی بر عمل اداری،[1]پاسخگویی[2]در تصمیم‌گیری‌های عمومی[3] است. این نوع از نظارت، با هدف صیانت از قانون، به عنوان سلاح شهروندان در برابر دولت نسبت به سوءاستفاده از قدرت، نوعی کنترل مضاعف بر اَعمال دولتی محسوب می‌شود و با تأکید بر احترام به کثرت‌گرایی و مشارکت شهروندان، به‌نحوی «دموکراسی قضایی[4]»[5] را در نسل نوین حقوقی پدید آورده است(Manfredi and Rush,2013:35).

مقام اداری در حین انجام عمل اداری ممکن است عملی را خلاف قانون انجام دهد و نقض قانون کند. نقض قانونمداری، یکی از جهات نظارت قضایی است که مفاهیمی چون اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری، ذیل آن قرار دارند. در زبان فارسی، اشتباه در معانی مختلفی از جمله سهو و خطا، مانندشدن، بازنشناختن، بازندانستن، نهفته‌ماندن و پوشیده‌شدن (معین،۱۳۷۱:۲۷۸) و نیز مانندشدن، چیزی را به غلط عوض چیزی‌گرفتن به‌کار رفته است(دهخدا، ۱۳۳۸: ذیل مدخل اشتباه)؛ اما از نظر ریشه عربی، در کتاب‌های لغت عربی، برخی این واژه را به معنای‌شبه، شبهه و شبیه می‌دانند که چیزی شبیه چیزی باشد، دارای شبیه و نظایر باشد(الافریقی– المصری،۱۴۰۵ه.ق:ج۱۳،۵۰۳)، امری به حق تشبه‌یافته و این امر موجب نادرست‌پنداشتن امری(التباس)گردد (الرازی،۱۴۱۵ه.ق:۱۷۵؛الطریحی،۱۴۰۸ه.ق:ج۲،۴۷۸)؛ اما سوءاستفاده از اختیار به عنوان مفهوم خاص به ارکان آن وصف می‌گردد که انجام آن، گاه به عنوان تخلف و گاه به عنوان جرم تلقی‌شده است و همراه اعمال ضمانت اجرا از سوی دولت همراه خواهد بود.

---

1 . Judicial Review of Executive Action.

2. Accountability.

3. Public decision – making.

۴. دموکراسی قضایی به معنای نظارت تام دادگاه‌ها بر اَعمال مقام‌های دولتی است تا آن‌ها را در محدوده تجویزهای قانونی مهار کنند و مانع از هرگونه تخطی دولت نسبت به قانون به منظور حفظ حقوق شهروندی شوند.

5. Judicial Democracy

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

با توجه به وجود مبنای واحد نظارت قضایی و شباهت مفهومی اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری، تمایز این دو مفهوم در مرحله نظارت قضایی به‌آسانی ممکن نخواهد بود؛ اما تمایز آن باتوجه به آثار و ضمانت اجرای متفاوت هریک از دو عمل انجام شده، دارای اهمیت فراوانی است که تاکنون در حقوق اداری ایران، بررسی نشده است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، محدود به یک پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «نظارت قضایی بر سوءاستفاده از اختیار مقام اداری» نوشته سرکار خانم نازنین حیدری است که با رویکرد بررسی نظارت بر مبنای سوءاستفاده از اختیار بررسی شده است و نوشته دوم، رساله دکتری نگارنده این مقاله با عنوان: «الگوی مطلوب نظارت قضایی بر اشتباه مقام اداری در حقوق انگلستان، فرانسه و ایران» است که مقاله حاضر، در راستای پژوهش مذکور همراه با مقایسه دو مفهوم در عرصه نظارت قضایی است.

در تحقیق پیش‌رو در پی پاسخ به این سؤال هستیم که در نظارت قضایی، مقام کنترل‌کننده چگونه می‌تواند اشتباه و سوءاستفاده را از یکدیگر تمایز دهد و به اعمال روش‌جبرانی در هر کدام بپردازد؟ با توجه به این‌که هر دو مفهوم تقریباً در ذیل یک دسته‌بندی در جهات نظارتی قرار دارند، تفکیک این دو چگونه صورت می‌پذیرد و آن‌که ثمره عملی این تمایز چه خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم به نظر می‌رسد مبنای تفاوت در این دو مفهوم و در نتیجه نوع ضمانت اجرای اعمال‌شده در نظارت قضایی بر آن، ناشی از تمایز مفهومی و ارکان تشکیل‌دهنده آن‌هاست؛ بنابراین، مقام قضایی برای تمایز آن‌ها باید به بررسی تحقق ارکان تشکیل‌دهنده هر یک بپردازد و در صورت تحقق کامل عناصر و ارکان، نظر بر وقوع سوءاستفاده از اختیار یا اشتباه مقام اداری دهد.

برای مقایسه نحوه نظارت بر هریک از این دو، در این پژوهش، با رویکرد تطبیقی و روش توصیفی- تحلیلی، ابتدا به تحدید مفهومی و بررسی ارکان آن در سه نظام حقوقی: ۱. انگلستان، ۲. فرانسه و ۳. ایران و پس از آن، با شناخت ارکان تشکیل‌دهنده هر یک، وجوه تمایز آن‌ها و نحوه نظارت قضایی بر هریک (۴) بررسی می‌شود.

۱- اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری در نظام حقوقی انگلستان در آیینه نظارت قضایی

نظارت قضایی در حقوق انگلستان با استناد به یکی از دلایل غیرقانونی‌بودن، غیرمعقول بودن، یا غیرمنصفانه‌بودن(Fordham,2008:5) است که غیرقانونی‌بودن خود شامل: ۱- معنی مضیق خروج از حدود اختیارات یا فقدان صلاحیت به معنی فاصله‌گرفتن از محدوده‌های تعریف‌شده به وسیله قوانین؛ ۲- اشتباهات حکمی (در مواردی خاص) و اشتباهات موضوعی و۳- معنی موسع

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

خروج از حدود اختیارات به معنی: اقدام در جهت یک هدف پنهانی، به‌حساب‌آوردن عوامل غیرمرتبط یا به‌حساب نیاوردن عوامل مرتبط و مقید کردن اختیار گزینشی است (LeSuer and Sunkin,1997:469;Alder,2002:368). در این تقسیم‌بندی، دو مفهوم اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری به عنوان یکی از مصادیق غیرقانونی بودن از موجبات نظارت قضایی خواهد بود.

در نظام حقوقی انگلستان، «سوءاستفاده از اختیار»[1]، به عنوان یکی از تخلفات یا جرایم مقام اداری، مورد شناسایی قرار گرفته و با درنظرگرفتن نظارت‌های خاص، ضمانت‌اجرا برای آن پیش‌بینی شده است؛ اما «اشتباه[2] مقام اداری» در موارد محدودی نظارت‌پذیر است.

در نظام حقوقی کامن‌لا، در دو دسته‌بندی از جهات و مبانی نظارت قضایی، سوءاستفاده از اختیار وجود دارد: ۱- دسته‌بندی کلاسیک که شامل تجاوز از اختیارات ماهوی(اقدام مرجع اداری خارج از ماهیت و جوهره صلاحیت اعطاشده به وی است)؛ تجاوز از اختیارات شکلی(اقدام مرجع بدون رعایت مقررات شکلی) و سوءاستفاده از اختیارات است(Stott & Felix,1997:81-82)؛۲- دسته‌بندی لرد دیپلاک که شامل: سه‌دسته غیرقانونی‌بودن، غیرمعقول‌بودن و تشریفات نامناسب می‌شود (Alder,2002:368) که برخی، سوءاستفاده را در میان غیرقانونی بودن و معادل خروج از اختیارات در مفهوم موسع و در بستر صلاحیت‌های اختیاری(تشخیصی)، (Leyland&Anthony,2005:181) و برخی دیگر، آن را جزء موارد غیرمعقول بودن می‌دانند (Alder,2002:368).

در حقوق کامن‌لا، غالبـاً نقض اصل حاکمیت پارلمان، تحت عنوان «سوءاسـتفاده از اختیار تشـخیص» صورت می‌پذیرد (گرجی و فتحی،۱۳۹۱: ۲۲۵). در این نظام حقوقی، تعریف دقیقی از سوءاستفاده ارائه نشده است. در بیان معیار شناسایی سوءاستفاده، بسیاری معتقدند در سوءاستفاده از اختیار، عمل خطایی واقع نشده و اصل قانونمداری نقض نشده و یا حتی عمل صحیحی به شیوه و روشی خطا صورت نگرفته است؛ بلکه اقدامی صحیح با انگیزه و دلیلی ناصحیح صورت پذیرفته است(Taylor,1976:273)؛ بدین‌معنا که مأمور یا مقام اداری، تصمیماتی می‌گیرد یا عملی انجام می‌دهد که به‌ظاهر قانونی است؛ ولی در باطن، تحت‌تأثیر انگیزه‌های درونی ناصحیح بوده و به‌همین سبب، هدفی خلاف آنچه قانون‌گذار تعیین کرده است را تعقیب می‌کند؛ عوامل غیرمرتبط را در تصمیم‌گیری خود دخالت می‌دهد؛ عوامل مؤثر و مرتبط را در تصمیم‌گیری لحاظ نمی‌کند و یا صلاحیتی را به جای صلاحیتی دیگر به‌کار می‌بندد.[3]بر مبنای تعاریف، برخی نویسندگان حقوقی بنا

1 .Abuse of power
2. Error

۳. براساس تعاریف مذکور در:

Stott& Felix,1997:82;Wade&Bradley,1993:678;Hawke&Parpworth,1996:200

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

به نظر خود، فهرست بلندی از مصادیق سوءاستفاده ارائه می‌دهند؛ درحالی که برخی دیگر، به‌دو یا سه مورد به‌عنوان مصادیق سوءاستفاده از اختیارات بسنده می‌کنند (Alder,2002:374;Fenwick&Phillipson,2003:712-725; Ian,2013:57-64).

اغلب دکترین حقوقی، دو عامل اهداف مغایر یا متفاوت از هدف قانون‌گذار را توجه به عوامل غیرمرتبط و توجه نکردن به عوامل مرتبط در تصمیم‌گیری را از مصادیق سوءاستفاده می‌دانند. برخی دیگر، به‌کارگیری‌صلاحیت معین به جای صلاحیتی دیگر را از مصادیق سوءاستفاده می‌دانند و عده‌ای دیگر، غیرمعقول‌بودن را از مصادیق سوءاستفاده از اختیارات به شمارآورده‌اند (Wade&Bradley,1993:678; Ewing&Bradely,1997:773;Stott&Felix,1997:82) (هداوند،۱۳۸۹:ج۲، ۵۴۶؛نجابت‌خواه،۱۳۸۸: ۹۲)؛ چراکه غیرمنطقی بودن اغلب توأم با دومفهوم خروج از اختیارات و سوءاستفاده از اختیارات به‌کار می‌رود (Leyland&Anthony, 2005: 269). برخی نیز غیرمعقول بودن را با توجه به ملاحظات مربوط و عدم‌توجه به ملاحظات نامربوط یکی دانسته‌اند(Leyland & Anthony,2005: 276). عده‌ای دیگر نیز با توجه به معادل دانستن سوءاستفاده از اختیار و خروج از صلاحیت در معنای موسع در دیدگاه لرد دیپلاک، مقیّد کردن صلاحیت را از مصادیق سوءاستفاده می‌دانند (موسوی‌زاده‌و افشاری،۱۳۹۴ :۲۲۱). در جمع بین نظرهای ارائه‌شده از مصادیق سوءاستفاده، موارد مشترک شامل: هدف نامطلوب، توجه به عوامل غیرمرتبط یا عدم‌توجه به عوامل مرتبط، اجرای صلاحیت قانونی معین به جای صلاحیت دیگر و مقیّد کردن صلاحیت است.

بنابراین، در تعریف سوءاستفاده از اختیارات، می‌توانیم بگوییم زمانی است که مأمور یا مقام اداری، تصمیماتی می‌گیرد یا عملی انجام می‌دهد که به ظاهر قانونی است؛ ولی در باطن، تحت‌تأثیر انگیزه‌های درونی ـ مثبت یا منفی- مانند آن عمل و تصمیم اداری که از روی حب و بغض یا به منظور انتقام‌جویی یا کینه‌توزی یا اخاذی و جلب سود برای خود یا دیگران انجام شود- یا با استنباط و تفسیر ناصحیحی از قانون، هدفی خلاف آنچه قانون‌گذار تعیین کرده است را تعقیب می‌کند؛ عوامل غیرمرتبط را در تصمیم‌گیری خود دخالت می‌دهد؛ عوامل مؤثر و مرتبط را در تصمیم‌گیری لحاظ نمی‌کند و یا صلاحیتی را به جای صلاحیتی دیگر به‌کار می‌بندد.[1]

برخلاف سوءاستفاده از اختیار، در نظام حقوقی انگلستان، تعریف دقیقی از اشتباه و نحوه تشخیص آن از سایر مصادیق ارائه نشده است؛ بلکه با ارائه تعریف و بیان رویه قضایی از انواع اشتباه به دو دسته اشتباه حکمی و موضوعی، به بررسی این مفهوم پرداخته‌اند. آموزه‌های حقوقی

---

۱. بر اساس تعاریف مذکور در:

Stott & Felix, *1997*: 82; Wade & Bradley, *1993*: 678; Hawke & Parpworth, *1996*: 200; .

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

انگلستان، اشتباه را به حکمی و موضوعی تقسیم می‌کنند(Alder,2002:370) و مصادیق را بر مبنای قرار گرفتن در ذیل هرکدام، تحت نظارت قضایی قرار می‌دهند؛ گرچه طبقه‌بندی یک اشتباه به عنوان حکمی یا موضوعی، ممکن است از یک منطقه به منطقه دیگر مختلف باشد(Lewis and Middel Temple,2004:223).

اشتباهات حکمی زمانی روی می‌دهند که مقام اداری در رسیدگی به موضوعات مطرح‌شده در نزد وی جهت تصمیم‌گیری، از قواعد حقوقی، تفسیر ناصحیحی را ارائه می‌کند و معنای نادرستی از این قواعد را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهد(Carroll,2011:263). مداخله قضایی در این موارد، هرچند می‌تواند تجاوز در بررسی ماهیت دعوا و جایگزین کردن تفسیر مقام قضایی به جای تفسیر مقام اداری تصمیم‌گیرنده قلمداد شود؛ اما نباید نادیده گرفت که حاکمیت قانون، اقتضای آن را دارد که چنانچه مقام تصمیم‌گیرنده‌ای، درک نادرستی از قانون را ارائه نمود، بتوان آن را جبران کرد(Alder,2002:370). برخلاف اشتباه حکمی، در اشتباه موضوعی، مقام اداری در تشخیص موضوع اداری دچار اشتباه شده است؛ همچنین، در مواردی است که مرجع عمومی، حکم مقرر قانونی را بر موضوعی تطبیق می‌کند که اصولاً در دایره شمول حکم قانونی قرار نمی‌گیرد (ملکوتی هشجین،۱۳۸۹: ۱۹۴).

۲- اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری در نظام حقوقی فرانسه در آیینه نظارت قضایی

در نظام حقوقی فرانسه، موجبات نظارت قضایی بر عمل اداری شامل دو دسته: ۱. قانونمداری بیرونی[1]و ۲. قانونمداری درونی[2] است که قانونمداری درونی،[3] خود؛ دربردارنده: ۱. منحرف‌کردن اختیار (سوءاستفاده از اختیار)[4] و۲. نقض قانون[5] که شامل: تفسیر اشتباه (اشتباه حکمی)[6]؛ اشتباه

1 .Extermal Legality.

2. Imternal Legality.

۳. در این حالت، تصمیم اتخاذ شده مورد نظارت قضایی قرار می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود که تصمیم‌گیرنده از اختیارات واگذار شده فراتر نرفته و مرزهای درونی صلاحیت را نقض ننموده است. قانونمداری درونی، نه‌تنها داشتن اختیار برای تصمیم‌گیری را دربرمی‌گیرد؛ بلکه شامل تشریفاتی نیز می‌گردد که چگونگی و فرآیند تصمیم‌گیری معتبر را معین می‌کنند (Bell and Lombrard, and Others, 1998: 181) و برای تشخیص غیرقانونی بودن، محتوای تصمیم باید وارسی شود(Dumont,2009: 441).

4. Détournememt De Pouvoin.
5. Violation de la loi.
6. Misinterpretation erreur de droit.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

موضوعی[1]و ارزیابی نادرست موضوع[2] (Bell and Others,1998:181) است که هر دو مفهوم سوءاستفاده از اختیار و اشتباه مقام اداری، ذیل عنوان قانونمداری درونی قرار دارد.

سوءاستفاده از اختیار در حقوق فرانسه با نام انحراف‌از اختیارات[3] خوانده می‌شود که در موجبات نظارت قضایی، از مصادیق نقض قانونمداری درونی به شمار می‌رود (LombrardandDumont,2009:441). در تعریف انحراف از اختیار، «ژز»، آن‌را «استفاده از صلاحیت‌های واگذار شده برای نیل به اهدافی غیر از اهدافی که قانون واگذارنده، صلاحیت مطمح‌نظر داشته» دانسته است.

(Jèze,1944:58-59;quoted in:Schwartz,2006: 108)؛ همچنین در تعریف دیگری بیان شده است، سوءاستفاده از اختیار، زمانی پیش می‌آید که تصمیم‌گیرنده، رأی را به دلیل اندیشه‌ای که در قانون پیش‌بینی نشده است، اتخاذ می‌کند (Leberton,2007:487). به لحاظ شکلی، زمانی‌که مقام اداری از اختیار خود سوءاستفاده می‌کند، به‌وضوح، هیچ اماره، قرینه یا عملی که نشان دهد مقام اداری از حدود صلاحیت قانونی خود خارج شده است، مشاهده نمی‌شود.

در حقوق فرانسه، در صلاحیت‌های تکلیفی به‌دلیل این‌که قانون‌گذار، معیارها را از پیش تعیین‌کرده و درنتیجه، کمتر مجال ابتکار عمل و تصمیم‌گیری وجود دارد، امکان سوءاستفاده از اختیار، تقریباً منتفی است. از این مطلب این نکته دریافت می‌شود که عمدتاً، سوءاستفاده از اختیار در حوزهٔ صلاحیت‌های تشخیصی اتفاق می‌افتد.

مقوله «سوءاستفاده‌از اختیارات» به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست، سوءاستفاده با هدف تأمین منافع خصوصی؛ دوم، سوءاستفاده با هدف تأمین منافع عمومی. سوءاستفاده از اختیارات با هدف تأمین منافع خصوصی، مغایر نفع عمومی در حالتی است که مقامات اداری در تصمیم خود، هیچ نفع عمومی را در نظر نداشته و بنابر نفع‌های خصوصی رفتار می‌کنند که می‌تواند به دلیل سود خصوصی خود شخص،[4]سود شخص ثالث،[5]برای ارضای حس انتقام شخصی و دشمنی [6]به‌ویژه به دلیل عقاید سیاسی[7] (Leberton,2007:487;Lombrard&Dumont,2009: 441)) یا یک سازمان[8] باشد(Leberton,2007:487;see in:Lombrard&Dumont,2009:441) که در مواردی، موجب

1 .Error of fact, faits matérie lement inexacts.
2 .Erroreous classification of fact, Qualification juridique des faits.
3. Le Dètournement de pouvoir
4. CE Dlle Rault
5. CE Dlle Soulier
6. CE Maugras.
7. CE Amato; CE Commune de Malaussène 1968.
8. CE Fed Française d'haltérophilie.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

تبعیض ناروا شده[1] (Leberton,2007:487) و معمولاً این تصمیمات، لغو می‌شوند[2](Lombrard &Dumont,2009:441).نوع دیگر، سوءاستفاده از اختیارات با هدف تأمین منافع عمومی مغایر با اهداف خاص مقرر قانونی است.در این فرض، مقام اداری به دنبال منافع شخصی نبوده و با وجود داشتن هدف نفع عمومی، دچار سوءاستفاده‌از اختیار شده است؛ زیرا به دنبال منافع عمومی‌ای بوده که صلاحیت آن در قانون به وی اعطا نشده است. بارزترین مثال،رأی شورای دولتی در قضیه پاریست و لومونیه علیه کاریول(۱۸۷۵)[3]بود.در این قضیه، استاندار با استفاده از اختیار مخصوص پلیس اداری بر مؤسسات خطرناک، کارخانه کبریت‌سازی را بسته بود؛ اما هدف حقیقی او، دفاع از منافع مالی دولت بود،؛ نه مراقبت از امنیت عمومی که هدف قانونی مصرح در متون است. تصمیم او با این هدف اتخاذ شد که دولت مجبور نشود بنابر قانون دولتی‌کردن کارخانه‌های کبریت‌سازی(۱۸۷۲)، غرامتی پرداخت کند. (Lombrard&Dumont,2009:441;Leberton,2007:488).

باید براین امر توجه داشت، با وجود این‌که متقاضیان استناد به سوءاستفاده از اختیار، به عنوان دلیل تقاضای فرجام زیاد می‌باشند، قاضی؛ سوءاستفاده از اختیار را به‌ندرت قبول می‌کند (Lombrard&Dumont,2009:441). این امر بدان دلیل است که احراز سوءنیت، بسیار مشکل است؛ به طوری که به‌سختی می‌توان مثالی یافت که در آن، سوءنیت؛ مبنای مستقلی برای اعتراض به یک تصمیم اداری بوده باشد(Ian,2013:83) و خواهان توانسته باشد به‌طور موفقیت‌آمیزی دعوای بطلان یک عمل اداری را به پیش ببرد(Molan,1994:300)؛ این مسأله تا حدی است که در مواردی گفته می‌شود که سوءاستفاده از اختیار به حاشیه رانده شده و حتی در معرض از بین‌رفتن قرار دارد. مسلماً باید قبول کرد که از میان دلایل اقامه دعوا در دادگاه، سوءاستفاده‌از اختیار از همه کمتر مورد قبول رویه‌قضایی است؛ اما باید گفت این مسأله، بیشتر به خاطر دلایل تکنیکی پیش می‌آید تا اراده‌ای برای به‌حاشیه راندن سوءاستفاده از قدرت باشد(Leberton,2007:488).

اما مفهوم اشتباه در عرصه حقوق مدنی فرانسه، به معنای یک سوءتفاهم است. قانون، بدین‌سبب به اشتباه اهمیت می‌دهد که آن را اصلاح کند یا درخصوص اعتبار حکمی که با اشتباه همراه است، تصمیم بگیرد. باوجود این‌که برخی، رضایت را عنصر اشتباه می‌دانند؛ طبق رویه قضایی،[4]رضایت به یک حکم، باعث منصرف شدن از درخواست اصلاح آن به دلیل اشتباه نمی‌شود.

---

1. CE Syndicat autonome des inspecteurs generaux de l’administration
2. CE Syndicat autonome des inspecteurs généraux et inspecteurs de l’administration 1995
3. CE Pariset et Laumonnier-Carriol 1875

۴ . دومین دادگاه مدنی ۷ ژوئیه ۲۰۱۱ درخواست۲۱۰۶۱-۱۰ و ۱ دسامبر ۲۰۱۱؛

2ème Chambre civile 7 juillet 2011, pourvoi n°10-21061, BICC n°752 du 1er décembre 2011 et Legifrance

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

در حقوق اداری فرانسه، اشتباه را این‌گونه تعریف می‌کنند: شرایط غیرقانونی یک‌طرفه، مؤثر بر دلایل رأی شورای دولتی است (Gondouin and Inserguet-Brisset and Van Lang, 2003:107). در رویه قضایی این نظام حقوقی نیز انواع اشتباه از یکدیگر تفکیک می‌گردند:

۱- اشتباه حکمی: اگر مقام اداری در تفسیر اختیارات خود دچار اشتباه شود، اشتباه حکمی رخ داده است (Morton, 1988: 90).در این موارد، مبنای قانونی؛ قابل اجرا و صحیح است؛ اما حکم قانونی، درست تفسیر نمی‌شود.[۱] اجرای اشتباه حکم قانونی و نقض قواعد حقوقی بالاتر نیز در محدودهٔ اشتباه حکمی می‌گنجد(Lombrard and Dumont, 2009: 441)؛ همچنین در مواردی، شورای دولتی، به دلیل استفاده از یک مبنای قانونی غیرقابل اجرا، رأی به اشتباه حکمی داده است.[۲]

۲- اشتباه موضوعی: این اشتباه، نسبت به وقایع و رخدادها اتفاق می‌افتد. یک تصمیم باید به قدر کافی با تکیه بر موضوعات توجیه شود. این قاعده، حداقل مستلزم آن است که موضوعات، صحت داشته باشند(Morton, 1988: 90). با توجه به این‌که موضوع، سرچشمه تصمیم است؛ اشتباه در توضیح موضوع یا عدم‌دقت در مادیات موضوع، دارای اهمیت است. شورای دولتی در نظری بیان نموده: «اگر شورای دولتی نمی‌تواند تناسب رأیی که به خاطر سوءاستفاده از اختیار در برابر اوست را ارزیابی کند؛ اما می‌تواند حقیقت مادی موضوعی که باعث تصمیم شد را مورد نظارت قرار دهد[۳]» (Gondouin&Inserguet-Brisset&VanLang,2003:107).

اشتباه موضوعی در فرانسه در مواردی است که مقام اداری در رکن مادی موضوع دچار اشتباه شده و به‌دلیل شناخت نادرست موضوع، تصمیم گرفته یا در مواردی است که مقام اداری، رکن مادی را درست تشخیص داده؛ اما در ارزیابی حکم قانونی بر مصداق، دچار اشتباه شده و مصداقی را به طور نادرست، مشمول حکم قانونی خاص بداند(Lombrard&Dumont,2009:441).دیگر حالت اشتباه موضوعی در زمانی است که تناسب میان هدف تصمیم و موضوع وجود ندارد(Gondouin&Inserguet-Brisset&VanLang,2003:108).

۳- اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری در نظام حقوقی ایران در آیینه نظارت قضایی

در حقوق اداری ایران، تقسیم‌بندی صریحی از جهات نظارت قضایی وجود ندارد؛ اما عنوان سوءاستفاده از اختیار، به‌صراحت در قانون دیوان عدالت اداری از جهات نظارت شناخته شده است.

---

۱. رأی شورای دولتی۱۳ مه ۱۹۹۲ RNUR.

۲ . رأی شورای دولتی ۷ ژوئیه ۱۹۷۶.

۳ . ر.ک رأی شورای دولتی در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۶(Camino).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

گرچه در این قانون به‌صراحت سخنی از اشتباه به میان نیامده است؛ اما مانند حقوق انگلستان و فرانسه می‌توانیم اشتباه مقام اداری را یکی از جهات نظارت قضایی بدانیم که بر مبنای نظام حقوقی هر دو کشور، در زیرمجموعه غیرقانونی بودن یا نقض قوانین و مقررات قرار گرفته و برمبنای حقوق فرانسه در تقسیم‌بندی جزئی‌تر، آن را ذیل نقض قانونمداری درونی قرار دهیم که مقام اداری با وجود صلاحیت قانونی از اختیارات واگذار شده به دلیل درک اشتباه از حکم، موضوع، تفسیر نادرست قانون در معنای اعم، انطباق حکم بر مصداق فراتر رفته و مرزهای درونی صلاحیت را نقض نموده است.

استادان حقوق اداری ایران، برگرفته از نظام حقوقی انگلستان و فرانسه، تعاریفی با وجوه مشترک از سوءاستفاده از اختیار ارائه نموده‌اند: سوءاستفاده از اختیارات، زمانی است که مقام اداری تصمیماتی می‌گیرد یا عملی انجام می‌دهد که به ظاهر قانونی، اما در باطن، تحت‌تأثیر انگیزه‌های درونی مثبت یا منفی یا استنباط و تفسیر ناصحیحی ازقانون، هدفی خلاف آنچه قانون‌گذار تعیین کرده است، تعقیب می‌کند (طباطبایی مؤتمنی،۱۳۸۷:۳۳)؛ اعم از این‌که آن هدف، قانونی یاغیرقانونی، آشکار یا پنهان، در جهت منافع شخصی یا خیرخواهانه باشد، هدف محقق شود یا نشود، منجر به اضرار به افراد و اشخاص خصوصی یا تجاوز به منافع عمومی شود. (موسوی‌زاده و افشاری،۱۳۹۴: ۲۱۳)؛[1] مانند تصمیم اداری از روی حب‌و بغض، به‌منظور انتقام‌جویی یا کینه‌توزی یا اخاذی و جلب سود برای خود یا دیگران. (طباطبایی‌مؤتمنی،۱۳۸۷: ۳۳).عوامل غیرمرتبط را در تصمیم‌گیری خود دخالت می‌دهد، عوامل مؤثر و مرتبط را در تصمیم‌گیری لحاظ نمی‌کند و یا صلاحیتی را به‌جای صلاحیتی دیگر به کار می‌بندد (نجابت‌خواه،۱۳۹۰:۱۸۴).مقام اداری در این حالت، بدون تجاوز و خروج از حدود بیرونی اختیار، قانون را نقض می‌کند.

در قوانین اداری و کیفری ایران و به تبع آن در رویه قضایی نیز مبحث سوءاستفاده، مورد بحث قرار گرفته است. بنابر ماده۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰، یکی از جهات نظارت قضایی توسط هیأت عمومی دیوان ،سوءاستفاده‌از اختیارات است. بند اول ماده۱۲قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب۱۳۹۰، یکی از مصادیق صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت سوءاستفاده از اختیارات مرجع مربوط، موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود، می‌داند.برطبق ماده مذکور، درصورت سوءاستفاده مقام اداری از اختیارات خود و با وجود تحقق سه شرط: نخست، سوءاستفاده در صدور مقرره دولتی؛ دوم، اثبات سوءاستفاده و سوم، سوءاستفاده

---

۱. نظر دکتر مهدی هداوند، بیان شده در نشست علمی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

موجب تضییع حقوق اشخاص، اعم از شاکی یا غیرشاکی شده باشد، هیأت عمومی دیوان می‌تواند نسبت به ابطال مصوبه مذکور اقدام نماید.

علاوه بر قانون دیوان عدالت اداری، در قانون رسیدگی به تخلفات اداری، سوءاستفاده از اختیارات در بند۳۰ ماده۸ به عنوان تخلف اداری به شمار آمده که در صورت احراز، موجب مجازات مقام اداری می‌شود؛ همچنین، طبق ماده ۲قانون ارتقاءسلامت نظام اداری، مقابله با فساد مصوب۱۳۹۰/۸/۷مجمع تشخیص مصلحت نظام، سوءاستفاده از مقام و مسئولیت برخلاف هدف قانونی و نفع جامعه و در جهت منافع شخصی، به عنوان مصادیق مهم فساد اداری هستند(محسنی،۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۵؛ افضلی،۱۳۹۰: ۲۳۷).برگرفته ازماده مذکور، سه‌مصداق سوءاستفاده از اختیار و مقام شامل:۱-انجام عمل خلاف هدف قانونی؛۲-خلاف نفع جامعه و۳-در جهت منافع شخصی را می‌توان در نظام حقوقی ایران شناسایی کرد که در صورت وقوع آن، می‌توانیم بگوییم سوءاستفاده واقع‌شده و ضمانت اجرا بار نماییم.

در قوانین جزایی ایران نیز درخصوص سوءاستفاده از اختیارات سخن گفته شده است و طبق ماده۵۷۶ قانون تعزیرات و اقدامات تأمینی، برای سوءاستفاده مأموران دولتی از مقام، مجازات پیش‌بینی شده است.با توجه به عنصر قانونی مذکور، برای احراز این جرم، وجود عنصر روانی سوءنیت عام(علم‌وعمددرفعل) برای مرتکب لازم است که عمل وی به منظور جلوگیری از اجرای قوانین و اوامر دولتی و احکام محاکم قضایی انجام شده باشد؛ همچنین بایستی وجود هدف مغایر با هدف قانون یا ملاحظات نامربوط یا عدم‌لحاظ ملاحظات مرتبط مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، تحقق عنصر مادی نیز در این زمینه اهمیت دارد؛ یعنی تحقق جرم منوط به اجرا نشدن قانون یا حکم مقام قضایی است؛ والا، اگر فعل یا ترک فعل مأمور و مستخدم دولتی در جلوگیری از اجرای قانون یا حکم مقام قضایی تأثیری نداشته باشد، جرم ماده ۵۷۶ تحقق نخواهد یافت (افشاری،۱۳۹۳: ۲۳).علاوه بر این ماده که به‌صراحت، جرم سوءاستفاده از اختیار مقام دولتی را بیان نموده است؛ مواد دیگری را نیز در قانون مجازات می‌توان یافت که با توجه به تعریف سوءاستفاده و مصادیق آن، می‌توانند مصداق سوءاستفاده از اختیار مقام دولتی باشند؛ اما قانون‌گذار به‌طور خاص، به جرم‌انگاری آن پرداخته است.[۱]

در مقابل سوءاستفاده از اختیار مقام اداری که بسیار مورد بحث قرار گرفته است، اشتباه مقام اداری و مفهوم آن در عرصه حقوق اداری مغفول مانده است و تنها در عرصه حقوق خصوصی و جزا مبتنی بر فقه، به تعریف و بررسی آن پرداخته‌اند. نظر به ابتنای حقوق ایران از فقه امامیه، در ابتدا مفهوم اشتباه در متون فقهی بررسی می‌شود.در متون فقهی، واژه‌های «شبهه» و «جهل»،

۱. از جمله آن، ماده ۶۰۴ قانون تعزیرات و ماده ۵۸۱ قانون تعزیرات و اقدامات تأمینی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

واژه‌های معادل یا در کنار اشتباه استفاده می‌شوند؛ اما تعریف جهل از دیدمنطق‌دانان صحیح‌تر به‌نظر می‌رسد. ایشان با تقسیم جهل بر بسیط و مرکب، اشتباه را معادل جهل مرکب و در مقابل شهبه و جهل بسیط می‌دانند که از جنس اعتقاد است؛ اگرچه آن اعتقاد، مخالف با واقع باشد (شیرازی،۱۳۶۹: ۲۹۵؛المظفر،۱۳۸۳:ج۲۰،۱). در شبهه، احتمال درستی هر دو طرف یا چندین طرف وجود دارد که این احتمال بین دو طرف یا اطراف موضوع موردشبهه مساوی است (الزبیدی،بی‌تا:ج۷،۱۵۰؛راغب‌الاصفهانی،۱۴۱۲ق:۲۰۹)؛ اما اشتباه از دو جزء ذهنی تشکیل یافته‌است: یکی فقدان تصور یا تصدیق صحیح از موضوع و جزء دوم، تصور جانشین که به طرز نادرست، جایگزین تصور صحیح گردیده است. (آقایی‌نیاو زهروی،۱۳۸۸: ۷)؛ از این‌رو می‌توان گفت در اشتباه، اعتقاد جازم یا ظن قوی بر صحت تصور و عمل وجود دارد (التفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۳۰؛ الموسوی الخوئی، ۱۴۲۲ق: ج. ۴۱، ۲۳۴). واژه اعتقاد، گویای این است که فرد اشتباه‌کننده، خالی– الذهن نیست که دچار شک درخصوص واقعیت راجع به عمل حقوقی باشد؛ بلکه بر اساس دلایلی، اعتقاد به واقعیت پیدا کرده است؛ اما درواقع، اعتقادی نادرست و غیردقیق که وجود این قید، جهل بسیط(شک وشبهه) و گمان و پندار را از تعریف خارج می‌کند(آخوندی،۱۳۹۱:۱۱۸).

در عرصه حقوق ایران، متن قوانین از جمله قانون مدنی، تعریفی از اشتباه نداده‌اند؛ اما استادان حقوقی، تعاریفی از این مفهوم بیان داشته‌اند. بسیاری از آموزه‌ها در تعریف اشتباه، با ارائه تعریف کلی، آن را تصور غلط و نادرستی و خلاف واقع[1] می‌دانند که انسان از شیء پیدا می‌کند (عدل، ۱۳۷۳: ۱۱۸؛ کاتبی، ۱۳۵۲: ۵۱؛ امامی، ۱۳۷۷: ج. ۱، ۱۹۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶: ج. ۱، ۳۹۵؛ صفایی، ۱۳۸۲: ج. ۲، ۸۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۴۵، جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۴۵)؛ به این معنا که تصوراتی که انسان نسبت به واقعیات خارجی دارد، مطابق با واقع نبوده و خلاف حقیقت باشد. برخی علمای حقوق نیز با همان مضمون، آن را عبارت از: «خطای در شناخت و اعتقاد برخلاف واقع» تعریف کرده‌اند (شهیدی، ۱۳۷۷: ۱۷۲). برخی دیگر از حقوقدانان نیز، برای آن‌که تعریفی که از اشتباه ارائه می‌شود، بتواند همه انواع آن را سامان داده و به تعبیر دیگر جامع باشد، چنین گفته‌اند: «اشتباه حالتی است که در نفس آدمی پیدا می‌شود و او را به توهم خلاف واقع می‌کشاند. خلاف واقع نیز دو حالت دارد: یا واقعه نادرستی است که انسان آن را درست می‌پندارد و یا واقعه درستی است که انسان آن را نادرست تصور می‌کند» (السنهوری، ۱۹۹۸م: ج. ۱: ۳۱۱). با بررسی تعاریف، آن چیزی که در همه این تعاریف مشترک بوده و جوهر اشتباه را تشکیل می‌دهد، همان اعتقاد و تصور خلاف‌واقع از مسائل و موضوعات هست که ممکن است بنابه دلایل متعددی صورت پذیرد (ذاکری، ۱۳۹۰: ۴).

1.False

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

برخی دیگر از حقوقدانان با بیان ویژگی‌ها، شرایط و معیارهای اشتباه و آثار حقوقی آن، در پی تبیین این مفهوم هستند. در این میان، عده‌ای با بیان معیارهای اشتباه، آن را مفهومی مشکک دانسته که بسته به درجه و میزان قوت و ضعف آن در عقد تأثیر می‌گذارد. (عدل، ۱۳۷۳: ۱۱۸؛ کاتبی، ۱۳۵۲: ۵۱؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۹۸) و بسته به میزان خود در بعضی موارد، رضا را از بین برده و موجب بطلان و بعضی اوقات، رضا را معلول نموده و موجب عدم‌نفوذ قرارداد می‌شود (بروجردی‌عبده، ۱۳۸۰: ۹۸). آن‌ها، حد اعلای اشتباه را جهل می‌دانند (عدل، ۱۳۷۳: ۱۱۸).عده‌ای دیگر، بر اساس این‌که موضوع اشتباه، عناصر مهم و اساسی باشد یا عناصر کم اهمیت، اشتباه را به اشتباه مهم و غیرمهم تقسیم کرده و اثر اشتباه اول را بطلان و اثر نوع دوم اشتباه را خیار فسخ می‌دانند. (صفایی، ۱۳۸۲: ج. ۲، ۸۷). این افراد معتقدند اشتباه به عنوان یکی از عیوب اراده، ممکن است اساس «قصد» را که به عنوان رکن خلاق اراده بوده، از بین ببرد و اثر چنین اشتباهی، بطلان مطلق عقد است؛ اما درخصوص جزء دیگر اراده یعنی «رضا»، اشتباه هیچ‌گاه رضا را از بین نمی‌برد و مرتکب آن به لحاظ همان پندار وهمی، دارای رضاست (محسنی، ۱۳۹۰: ۴۸۹).

برخی نیز با تفکیک انواع اشتباه به‌ویژه در حوزه حقوق کیفری و بیان مفهوم هرکدام همراه ذکر مصداق برای هریک، در پی تبیین این مفهوم هستند. ایشان معتقدند اشتباه به دو نوع حکمی و موضوعی تقسیم می‌شود. چنانچه اشتباه، ناشی از عدم‌اطلاع از وجود قانون باشد و یا این‌که شخصی در درک مفهوم و مقصود قانون‌گذار از یک متن یا ماده قانونی دچار اشتباه در تفسیر شود، اشتباه حکمی است؛ اما اگر اشتباه ناشی از تصور خلاف واقع نسبت به تشخیص ماهیت فعل مجرمانه یا عناصر متشکله جرم یا نتایج حاصله از آن باشد، اشتباه موضوعی است (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۳۰۰؛ محسنی، ۱۳۷۵:ج.۲:۲۳۰؛ شامبیاتی،۱۳۷۴:۱۰۲؛توکلی،۱۳۸۲: ۳۶؛ اردبیلی،۱۳۸۵:ج.۲:۹۸)؛ بدین‌ترتیب، اشتباه را حالتی می‌دانند که برحسب مورد، قابلیت انتساب جرم را به مرتکب آن از بین می‌برد (ولیدی،۱۳۷۳:ج.۳: ۲۲۲).

با توجه به ابتنای نظام حقوقی ایران بر نظام حقوقی اسلام و توجه به نظام حقوقی نوشته، ارائه تعریف دقیق توسط دکترین که مبتنی بر فقه ما نیز باشد، می‌تواند در قوانین وارد شده یا مبنایی برای تفسیر قوانین و مقررات قرار گیرد و در آرای قضایی نیز مورد استفاده واقع شود. از مجموع تعاریف ذکر شده، به نظر می‌رسد اشتباه یعنی تصور خلاف واقع؛ هرچند ممکن است میزان تخطّی و تخلّف از واقع کم یا زیاد باشد؛ ولی همه این‌ها اشتباه است و خود اشتباه، یک مفهوم منجّز است و قابل‌اتصاف به کم یا زیاد نیست؛ اگرچه در بسیاری از مباحث روزمره و در محاورات عمومی، ما با اصطلاحاتی مانند اشتباه کوچک یا بزرگ و یا اشتباه قابل‌بخشش یا غیرقابل بخشش مواجه می‌شویم، در حقوق، اشتباه کوچک و بزرگ یا کم و زیاد وجود ندارد (آخوندی،۱۳۹۱: ۱۱۲) و در

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

تعریف اشتباه مقام اداری می‌توانیم بگوییم: تصور خلاف واقع و خلط میان صحیح و ناصحیح است؛ اما نکته مهم در وقوع این اشتباه، آن است که مقام اداری، اعتقاد قوی بر صحیح‌بودن عمل خود و صحت تصور خود دارد؛ نه این‌که دچار ظن و شک و توهم باشد. وی، اعتقاد دارد که عمل وی مبتنی بر واقع انجام می‌شود و در فهم موضوع یا حکم یا در انطباق آن صحیح عمل نموده است و به اشتباه خود آگاهی ندارد و ظن قوی بالای ۸۰ درصد به صحیح بودن عمل وجود دارد.

۳- وجوه تمایز اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری در عرصه نظارت قضایی

با توجه به مفهوم‌شناسی دو اصطلاح در فوق، در این بخش از مقاله با مقایسه وجوه تفاوت و شباهت میان دو مفهوم، راهنمایی برای تمایز میان سوءاستفاده از اختیار و اشتباه مقام اداری در نظارت قضایی به عنوان موجبات نظارت ارائه شود:

مصادیق سوءاستفاده از اختیار در نظارت قضایی در چند مورد است: یکی از مصادیق سوءاستفاده، استفاده از صلاحیت واگذارشده برای دستیابی به اهدافی غیر از اهداف موردنظر قانون در اعطای صلاحیت است. این امر زمانی واقع می‌شود که مأمور یا مقام اداری تصمیماتی می‌گیرد یا عملی انجام می‌دهد که به ظاهر قانونی اما در باطن، هدفی خلاف آنچه قانون‌گذار تعیین کرده است، تعقیب می‌کند. در واقع، در انجام عمل، خطا یا شبه‌خطایی واقع‌نشده، بلکه اقدام درست با هدف خلاف قانون‌گذار انجام شده است؛ همچنین در بعضی موارد، ممکن است تصمیم اتخاذشده برخلاف این‌که ظاهراً در چارچوب اختیارات قانونی است؛ اما با هدف اصلی قانون‌گذار که مبتنی بر آن، اعطای صلاحیت‌نموده، متعارض بوده و به‌نوعی به جهت منافع درون سازمانی انجام گیرد (Barentt, 2007:765;Leyland&Anthony,2005:269). در این موارد، حتی اگر عمل با بهترین انگیزه نیز انجام شود، مصداقی از سوءاستفاده‌از اختیارات واگذار شده قانونی است (نجابت‌خواه،۱۳۸۸: ۹۴).

یکی دیگر از مصادیق سوءاستفاده‌از اختیارات، زمانی است که مقامات اداری؛ عوامل غیرمرتبط را در تصمیم‌گیری خود دخالت دهند یا ملاحظات مرتبط و مؤثر در تصمیم‌گیری را نادیده بگیرند. این قصور می‌تواند به معنای آن باشد که مقام تصمیم‌گیرنده بدون ادلّه لازم برای توجیه تصمیم خود، اقدام نموده است(Barentt,2007:767;Leyland &Anthony,2005:276). البته باید تأکید نمود که عدم‌توجه به عوامل مؤثر و توجه به عوامل غیرمرتبط در تصمیم، در صورتی زمینه مداخله دادگاه‌ها برای کنترل قضایی را فراهم می‌آورند که اول، تصمیم به انجام یک کارویژه صرفاً اداری مربوط نشود که تأثیری بر حقوق اشخاص ندارد؛ دوم، تصمیم از نظر مادی به‌واسطه آن عامل مرتبط یا غیرمرتبط، تحت‌الشعاع قرار گرفته باشد(نجابت خواه،۱۳۸۸: ۱۰۴). دادگاه در تشخیص

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

عوامل مرتبط و غیرمرتبط، درصورت عدم‌صراحت قانونی، از اوضاع و احوال و بر اساس موضوع، قلمرو و هدف قانون موضوعه، ملاحظات را تشخیص می‌دهد (هداوندو مشهدی،۱۳۹۱: ۱۹۴).

دیگر مصداق سوءاستفاده، مقیدکردن صلاحیت است. تنها مرجع صالح برای اعطاء، سلب یا محدودنمودن صلاحیت مقام اداری؛ قانون‌گذاراست و هیچ عامل دیگری، حتی خود وی نمی‌تواند اعمال صلاحیت از سوی مقام اداری را مقید، محدود یا تعطیل سازد. از مهم‌ترین موارد مقیدکردن صلاحیت، آن است که مقام عمومی، صلاحیت تشخیصی خود را به صلاحیت تکلیفی تبدیل کند؛ یعنی باوجود این‌که قانون‌گذار به مقام عمومی، صلاحیت اِعمال تشخیص را اعطا کرده است؛ اما مقام عمومی، بسیار سطحی با همه موارد برخورد کرده، مورد به مورد به‌قضایا نمی‌نگرد و عدالت انتزاعی را تبدیل به عدالت شخصی نمی‌کند که این مورد را برخی، مصداق سوءاستفاده از اختیار می‌دانند (موسوی‌زاده‌و افشاری،۱۳۹۴: ۲۲۲؛ همچنین به‌کارگیری صلاحیت قانونی معین به‌جای صلاحیت قانونی دیگر را می‌توان مصداق مقیدکردن صلاحیت دانست. در مواردی که چند صلاحیت به موجب قوانین و مقررات به مقام اداری ارجاع شده و مشخص است که مرجع مربوطه کدام‌یک از آن‌ها را به کار خواهد گرفت؛ استفاده از یک صلاحیت برای کنار گذاشتن دیگر– صلاحیت‌ها، غیرقانونی خواهد بود؛ به‌ویژه اگر حقوق یک شخص را تحت‌تأثیر خود قرار دهد (Hawke & Parpworth,1996:200).

به نظر می‌رسد ارکان اساسی در سوءاستفاده از صلاحیت، چند مورد است؛ یکی، وجود صلاحیت برای مقام اداری بر طبق قانون برای عمل خاص؛ دوم، انجام عمل در محدوده صلاحیت برخلاف هدف قانون‌گذار و یا بدون درنظر گرفتن عوامل و ملاحظات مدنظر قانون‌گذار و سوم، برخی حقوقدانان؛ سوءنیت عام را از عناصر سوءاستفاده دانسته‌اند و «دعوای آنیسمینیک» در سال ۱۹۶۹ را یکی از موارد درخواست نظارت قضایی بر این اساس به شمار آورده‌اند. (نجابت‌خواه، ۱۳۸۸: ۱۹۳)؛ بدین‌توضیح که عنصر سوءنیت عام به معنای وجود علم به مسأله لازم است؛ بدین معنا که مقام اداری علم دارد که هدف و مدنظر قانون‌گذار چه بوده و با عمد، عملی خلاف آن را مرتکب می‌شود و به خلاف‌بودن عمل خود نیز علم دارد. حال، طبق نظام حقوقی فرانسه، هدف و انگیزه[1] وی از فعل یا ترک فعل می‌تواند تأمین منافع شخصی مانند: سود خصوصی، سود شخص ثالث یا برای انتقام‌گیری شخصی یا با هدف تأمین نفع عمومی باشد(Leberton, 2007: 487; Lombrard and Dumont, 2009: 441). پس لزوماً تصمیم‌گیری از روی حب و بغض، به منظور انتقام‌جویی،

---

۱ . انگیزه به مفهوم کوشش درونی و میل پنهانی فرد، که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند. انگیزه، مقصد نهایی و هدف اصلی مجرم از ارتکاب جرم هست و ممکن است در جرایم مختلف به صورت‌های متفاوت منظور شود؛ حال آن‌که، قصد؛ همان اراده انجام فعل است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

کینه‌توزی، اخاذی و جلب سود برای خود یا دیگران مدنظر نیست(Taylor, 1976: 273؛ طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۳۳) و حتی می‌تواند با انگیزه خیرخواهانه مانند کمک به دیگران، درنظر گرفتن نفع عمومی جامعه یا انگیزه منفی؛ مرتکب سوءاستفاده از صلاحیت شود؛ اما هدف مدنظر قانون‌گذار را با وجود علم به هدف قانون‌گذار، اعمال نمی‌نماید. گرچه وجود رکن روانی در تحقق سوءاستفاده بدان معنا نیست که وجود سوءنیت، شرط کافی برای تحقق سوءاستفاده بوده و وجود آن در هرجا به معنای سوءاستفاده از اختیار است. به عبارت دیگر، سوءنیت، رکنی از ارکان سوءاستفاده از اختیار و شرط لازم برای تحقق آن است.

به نظر می‌رسد وجود رکن سوءنیت است که سوءاستفاده از اختیارات را از اعمال مشابه، به‌ویژه اشتباه، متمایز می‌سازد(Barnett, 2007: 766). به طور خاص در حقوق اداری فرانسه، بین انگیزه و هدف عمل اداری، تفکیک قائل شده‌اند. در فرانسه، انگیزه‌ها را بیشتر بر اساس داده‌های عینی تلقی می‌کنند. اگر قصد مقام اداری با هدف اعطای اختیار به وی هماهنگ نباشد، مسأله سوءاستفاده از اختیار مطرح می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، مقام اداری نباید اختیاراتش را در غیر هدفی که مقنن برایش در نظر گرفته، به‌کار برد. پس اگر مقام اداری، آگاهانه اختیاراتش را در غیر هدف مقنن به‌کار ببرد، بحث سوءاستفاده از اختیار پیش می‌آید؛ اما مواردی نیز وجود دارد که ناآگاهانه این صلاحیت را در غیر هدف قانون‌گذار به‌کار می‌برد که وارد مقوله اشتباه مقام اداری می‌شود. (موسوی‌زاده و افشاری، ۱۳۹۴: ۲۱۷)؛ زیرا در اشتباه، جهل مرکب وجود دارد و مسأله مهم، تحقق علم در معنای سوءنیت عام است که لازمه سوءنیت؛ غرض‌ورزی و عدم صداقت[1] است(Thompson, 1993: 355) و چنانچه مقام تصمیم‌گیرنده بدون هیچ‌گونه غرض‌ورزی، با وجود آگاهی از بی‌اعتباری تصمیم خود، تصمیمی بگیرد که آثار حقوقی به بار نمی‌آورد، اقدام توأم با سوءنیت قلمداد نمی‌شود (Ian, 2013:83) و همین نکته، وجه تمایز اشتباه و سوءاستفاده مقام اداری است. سوءاستفاده‌کردن از آیین دادرسی در فرانسه نیز زمانی که مرتکب یک گناه، منظور یا سوء بدی نداشته، یعنی هنگامی که به‌طور انحصاری درنتیجه یک سوءتعبیر از متون، اشتباه صورت‌گرفته است؛ می‌تواند به یک اشتباه حکمی تشبیه شود و بر مبنای اشتباه رسیدگی شود(Tifine, 2014: 8).

به عبارت دیگر، تمایز سوءاستفاده از صلاحیت توسط مقام اداری با اشتباه را می‌توان چنین توضیح داد که در سوءاستفاده از صلاحیت، تصمیم‌گیرنده دقیقاً مطابق با ظاهر قانون عمل می‌کند؛ اما انگیزه و محرک وی نامطلوب بوده یا تحت‌تأثیر عوامل غیرمرتبط قرار می‌گیرد یا ممکن است به عوامل مرتبط، بی‌توجهی کند. (هداوند، ۱۳۸۹: ۵۴۶)؛ در واقع، توجهات نامناسب و غیرمعقول، در عمل وی وارد می‌شود(Ian, 2013: 83)؛ ولی وقتی مقام اداری اشتباه می‌کند؛ یا در فهم موضوع

1. dishonesty

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

یا در فهم حکم یا در تطبیق حکم بر موضوع اشتباه می‌کند؛ اما انگیزه نامطلوبی نداشته و به دلیل جهل به حکم و موضوع و جهل به جهل خود و با ظن قوی به صحت عمل خود، اقدام بدان نموده است؛ بنابراین، ضمانت اجرای عمل ناشی از سوءاستفاده از اختیار در صورت احراز انگیزه مغایر قانون، سنگین خواهد بود؛ ولی در اشتباه مقام اداری، ضمانت اجرای سنگین بر مقام اداری، وضع نمی‌شود و مسئولیت اداره نیز در کنار مقام اداری لحاظ می‌گردد.

وجه شباهت سوءاستفاده از اختیار و اشتباه در جهات نظارت قضایی است. در نظام حقوقی انگلستان، طبق برخی دسته‌بندی‌ها، اشتباه و سوءاستفاده از اختیار، هر دو ذیل جهت غیرقانونی بودن برای نظارت قضایی قرار دارند. وجه شبه نزدیک‌تر، در حقوق فرانسه محقق می‌گردد که در آن، اشتباه و سوءاستفاده از اختیار، هر دو ذیل عنوان قانونمداری درونی به عنوان یکی از مبانی نظارت قضایی قرار دارند. قانونمداری درونی، نه‌تنها داشتن اختیار برای تصمیم‌گیری را دربرمی‌گیرد (Bell and others, 1998: 181)؛ بلکه برای تشخیص غیرقانونی بودن، محتوای تصمیم نیز بررسی می‌شود(Lombrard, and Dumont, 2009: 441). سبب قانونمدار نبودن درونی؛ قانونمدار نبودن در محتوا یا در انگیزه و جهت، یا در نیت و هدف خواهد بود. غیرقانونی بودن محتوا، معمولا نقض مستقیم قانون را بیان می‌کند. صلاحیت دادگاه بر مداخله در این موارد، نه با مراجعه به نیّت مفروض قانون‌گذار، بلکه به موجب حق دادگاه، بر اساس حقوق اساسی، دایر بر مداخله در مواردی که وی، نقض قانونمداری درونی را تشخیص می‌دهد، توجیه‌پذیر می‌شود. چنین مبنایی برای نظارت قضایی می‌تواند در خصوص سوءاستفاده از اختیار و اشتباهات مقام اداری داخل در حدود اختیارات، مفید باشد و شمول نظارت دادگاه‌ها بر این‌گونه اعمال مقام اداری را توجیه کند

(Lombrard, and Dumont, 2009: 441). در قانونمداری درونی شامل: اشتباه و سوءاستفاده از اختیار مقام اداری، حتی وقتی که یک تصمیم توسط شخص مجاز و به شیوه مجاز اتخاذ شده باشد، به موجه‌سازی تصمیم، توجه‌شده و ممکن است به این دلیل غیرقانونی باشد که تصمیم مزبور بر مبنای اهداف مغایر هدف قانون‌گذار، بدون توجه به ملاحظات مربوطه، مقید یا تعطیل کردن صلاحیت، به دلایل اشتباه یا دلایل ناکافی، ناشی از تفسیر غلط از اختیارات یک اداره و ناشی از اشتباه به موضوع اتخاذ شده است.

نتیجه‌گیری

در تحقیق انجام شده، هدف؛ ارائه راهکار مشخص برای تمایز میان دو مفهوم سوءاستفاده از اختیار و اشتباه مقام اداری در نظارت قضایی بر هریک از این تخلفات است. این تمایز، از آن‌رو واجد اهمیت است که هر دوی این مفاهیم، ذیل مبنای غیرقانونی بودن و در تقسیم‌بندی جزئی‌تر، درون

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

عنوان نقض قانونمداری درونی به عنوان یکی از جهات نظارت قضایی قرار دارند که در این سبب نظارت قضایی؛ مقام اداری بدون نقض مرزهای خارجی صلاحیت و با وجود صلاحیت قانونی، داخل محدوده صلاحیت، نقض قانون می‌نماید؛ بنابراین، برای تشخیص غیرقانونی بودن، محتوای تصمیم، انگیزه و هدف مورد بررسی قرار می‌گیرد. صلاحیت دادگاه بر مداخله در این موارد، نه با مراجعه به نیت مفروض قانون‌گذار، بلکه به موجب حق دادگاه، بر اساس حقوق اساسی، دایر بر مداخله در مواردی که وی، نقض قانونمداری درونی را تشخیص می‌دهد، توجیه‌پذیر می‌شود.

اهمیت این تمایز در حقوق فرانسه بیشتر است؛ زیرا در حقوق این کشور، با قرارگرفتن در ذیل یک مبنای نظارت قضایی، متقاضی در طول اقامه دعوا می‌تواند ابزارهای قانونی که وابسته به یک دسته «موارد قانونی» هستند را اعلام کند؛ اما ابزارهای حقوقی که به یک دسته موارد قانونی مرتبط نباشند، به عنوان درخواست‌های جدید حساب می‌شوند؛ بنابراین قابل پذیرش نیستند.

در تمایز میان دو مفهوم با توجه به موجب مشترک نظارت قضایی و دشواری تفکیک آن‌ها در نظارت قضایی، مفهوم دقیقی با ارائه ارکان مشخص از دو مفهوم در سه نظام حقوقی انگلستان، فرانسه و ایران ذکر می‌شود. با توجه به بررسی نظام‌های حقوقی مورد مطالعه، تعریف مختار ما از اشتباه مقام اداری، حالتی است که مقام اداری تصوری خلاف واقع دارد و میان صحیح و ناصحیح، خلط می‌کند؛ اما رکن اساسی در تمییز اشتباه از اعمال مشابه مانند سوءاستفاده و شبهه در آن است که مقام اداری، اعتقاد قوی بر صحیح بودن عمل خود و صحت تصور خود دارد؛ نه این‌که دچار ظن و شک و توهم باشد. وی اعتقاد دارد که عمل وی مبتنی بر واقع انجام می‌شود و در فهم موضوع یا درک و تفسیر حکم یا در انطباق حکم بر مصادیق خارجی، صحیح عمل نموده است و به اشتباه خود، آگاهی ندارد و اعتقاد جازم و ظن قوی بالای ۸۰ درصد به صحیح بودن عمل دارد. پایه اصلی ارائه این مفهوم، برگرفته از مفهوم اشتباه در اصول فقه با معادل معنایی جهل مرکب در مقابل جهل بسیط (شبهه) است.

در سوءاستفاده از اختیار برخلاف اشتباه، ناظر قضایی باید این رکن را احراز کند که مقام اداری عمل مغایر هدف قانون‌گذار را همراه با سوءنیت‌عام مرتکب شده است؛ بدین‌معنا که مقام اداری، علم داشته هدف و مدنظر قانون‌گذار چه بوده است و با عمد، عملی خلاف آن را مرتکب می‌شود و به خلاف‌بودن عمل خود نیز علم دارد؛ حال چه هدف و انگیزه وی، تأمین منافع شخصی مانند سود خصوصی، سود شخص ثالث یا برای انتقام‌گیری شخصی یا با هدف تأمین نفع عمومی باشد. دو رکن مهم در سوءاستفاده؛ عدم‌تحقق هدف مدنظر قانون‌گذار همراه با وجود علم به هدف قانون‌گذار و عمد در عدم‌اجرای آن است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

به عبارت دیگر، تمایز سوءاستفاده از صلاحیت توسط مقام اداری با اشتباه را می‌توان چنین توضیح داد که در سوءاستفاده از صلاحیت، تصمیم‌گیرنده دقیقاً مطابق با ظاهر قانون عمل می‌کند؛ اما انگیزه و محرک وی نامطلوب بوده یا تحت‌تأثیر عوامل غیرمرتبط قرار می‌گیرد یا ممکن است به عوامل مرتبط، بی‌توجهی کند؛ در واقع، توجهات نامناسب و غیرمعقول، در عمل وی وارد می‌شود؛ ولی وقتی مقام اداری اشتباه می‌کند، یا در فهم موضوع، حکم و یا در تطبیق حکم بر موضوع اشتباه می‌کند؛ اما انگیزه نامطلوبی نداشته و به دلیل جهل به حکم و موضوع و جهل به جهل خود و با ظن قوی به صحت عمل خود، اقدام بدان نموده است.

باید توجه داشت که با توجه به سختی احراز سوءنیت و اثر اثبات آن در مقام اداری و ضربه به حیثیت اداری وی در سوءاستفاده از اختیار مقام اداری، قاضی برخی اوقات ترجیح می‌دهد به جای استفاده از سوءاستفاده از اختیار، تصمیم مقام اداری را به خاطر اشتباه، لغو و ابطال نماید که اولاً، نیاز به احراز انگیزه ندارد و ثانیاً، اشتباه همانند پرده‌ای آبرومندانه است که قاضی بر صورت وحشتناک سوءاستفاده از اختیار می‌کشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. آخوندی، روح‌اله (۱۳۹۱). «مفهوم جهل»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۵، صص۱۲۴-۹۵.
۲. آقایی‌نیا، حسین؛ زهروی، رضا (۱۳۸۸). «مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن درفقه امامیه، حقوق کیفری ایران و آمریکا»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، صص۱۹-۱.
۳. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۵).حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: میزان.
۴. افشاری، فاطمه (۱۳۹۳). «مرجع صالح رسیدگی به سوءاستفاده از اختیارات مقام اداری (بررسی موردی تخلف اخفا و معدوم‌نمودن اسناد و مدارک دولتی توسط مقام دولتی»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، سال سوم، شماره ۶، صص۳۱-۱۷.
۵. افضلی، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست‌جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵، صص۲۶۴-۲۳۵.
۶. امامی، سیدحسن (۱۳۷۷). حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۷. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، تهران: مجد.
۸. توکلی، سعید (۱۳۸۲). «اشتباه قاضی»، نشریه دادرسی، سال هفتم، شماره ۴۰.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). حقوق اموال، تهران: گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، تهران: گنج دانش.
۱۱. دهخدا، علی اکبر(۱۳۳۸). لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. ذاکری، رضا (۱۳۹۰). نگرشی تحلیلی و نو بر اشتباه و تأثیر آن در قراردادها (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا)، تهران: فروزش.
۱۳. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، تهران: ویستار.
۱۴. شهیدی، مهدی(۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: حقوقدان.
۱۵. شیرزاد، امید (۱۳۹۲). دلایل ابطال مصوبات دولتی در دیوان عدالت اداری، تهران: جنگل، جاودانه.
۱۶. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲). حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، تهران: میزان.
۱۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷). حقوق اداری تطبیقی، چاپ دوم، تهران: سمت.
۱۸. عدل، مصطفی (۱۳۷۳). حقوق مدنی، به کوشش محمدرضا بندرچی، قزوین، بحرالعلوم.
۱۹. کاتبی، حسینقلی (۱۳۵۲). حقوق مدنی، عقود و تعهدات و الزامات، تهران: مدرسه عالی بازرگانی.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۲۱. گرجی، علی‌اکبر و فتحی، یونس(۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی نظارت بر اعمال صلاحیت‌های گزینشی»، تهران:حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، صص۲۴۶-۲۱۱.
۲۲. گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران: میزان.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

۲۳. محسنی، سعید (۱۳۹۰). اشتباه در شخص طرف قرارداد (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۴. محسنی، فرید(۱۳۹۲). «پیشگیری از فساد اداری با تأکید بر فناوری اطلاعات»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶، صص ۱۷۴-۱۳۹.
۲۵. محسنی، مرتضی (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
۲۶. معین، محمد(۱۳۷۱). فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
۲۷. ملکوتی هشجین، سیدحسین(۱۳۸۹). «نظارت قضایی بر قانونمندی اعمال اداری: مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی انگلیس و ایران»، رساله دکترای حقوق عمومی، قم: پردیس قم دانشگاه تهران.
۲۸. موسوی‌زاده، سیدشهاب‌الدین و افشاری، فاطمه(۱۳۹۴)، «نظارت قضایی بر سوءاستفاده از اختیارات توسط مقام اداری»، در: گفتارهایی در دیوان عدالت اداری(مجموعه گزارش‌های پژوهشی و نشست‌های علمی تا پایان سال ۱۳۹۳)، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
۲۹. نجابت‌خواه، مرتضی (۱۳۸۸). «مفهوم سوءاستفاده از اختیارات در نظام حقوقی کامن‌لا»، حقوق و مصلحت، سال دوم، شماره ۵، صص۱۱۰-۸۷.
۳۰. نجابت‌خواه، مرتضی (۱۳۹۰). قانون دیوان عدالت اداری در نظم حقوق کنونی، تهران: جنگل.
۳۱. هداوند، مهدی و مشهدی، علی(۱۳۹۱). اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری) همراه با مطالعه تطبیقی فرانسه، سوئیس، آلمان، مصر، لبنان، انگلیس و آمریکا، چاپ دوم، تهران: معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، مرکز مطالعات توسعه قضایی.
۳۲. هداوند، مهدی(۱۳۸۷). «نظارت قضایی: تحلیل مفهومی تحولات اساسی»، حقوق اساسی، سال هفتم، شماره۹.
۳۳. هداوند، مهدی(۱۳۸۹). حقوق اداری تطبیقی، تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۳۴. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳). حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: داد.

۲. منابع عربی

۳۵. الافریقی المصری ، جمال‌الدین محمد بن مکرّم (ابن‌منظور)، (۱۴۰۵ه.ق)، لسان العرب، قم: ادب.
۳۶. التفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱ه.ق). مختصرالمعانی، قم: دارالفکر.
۳۷. التهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م). کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: ناشرون.
۳۸. الرازی، محمدبن‌ابی‌بکر بن‌عبدالقادر(۱۴۱۵ه.ق). مختار الصحاح، تحقیق لاحمد شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۹. راغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، لبنان-سوریه: دارالعلم- دارالشامیه.
۴۰. الزبیدی، محمدمرتضی (بی‌تا). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: مکتبه الحیاه.
۴۱. السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸م). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت: منشورات الحلبی الحقوقیه.
۴۲. شیرازی، قطب‌الدین (۱۳۶۹). دره‌التاج، تصحیح دکتر محمد مشکاه، چاپ سوم، تهران:، حکمت.
۴۳. الطریحی، شیخ فخرالدین(۱۴۰۸ه.ق). مجمع البحرین، تحقیق للسّید احمدالحسینی، بی‌جا، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]
[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

۴۴. العسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ه.ق). معجم الفروق اللغویه، قم: جامعه المدرسین.
۴۵. محقق داماد یزدی، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۶. المظفر، محمدرضا(۱۳۸۳). منطق، ترجمه علی شیروانی، قم: دارالعلم.
۴۷. الموسوی الخویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲ق). مبانی تکملهٔ المنهاج، قم: مؤسسهٔ إحیاء آثار الإمام الخوئی ره.

۳. منابع انگلیسی

48. Alder, John. (2002)**,** General principles of constitutional and administrative law, , 4thed, Palgrave.
49. Ewing, Keith D and Bradley, Anthony Wilfred. (1997), Constitutional and Administrative Law, 12th edition, London and NewYork, Pearson Longman.
50. Alder, John. (2002), General principles of constitutional and administrative law, 4thedition, New York, Palgrave.
51. Bell, John and Others. (1998), Princples of French Law, New York, Oxford University Press.
52. Barnett, Hilaire. (2007), Constitutional and administrative law, 6th edition, Miltan Park, Routledge, Cavendish.
53. Carroll, Alex. (2011), Constitutional and administrative law, Longman.
54. Deleo, John D.(2008), Administrative Law ,USA, Delmar Cengage Learning,.
55. Fenwick, Helen & Phillipson, Gavin(2003), Text, Cases & Materials on Public Law & Human Rights, , 2nd edition, London, Sydney, Portland, Oregon: Cavendish Publishing Ltd.
56. Fordham, Michael(2008), Judicial Review Handbook, 5th edition, Oxford, Hart Publishing.
57. Ian, Ellis Jones. (2013), Essential administrative law, Tehran, khorsandi.
58. Hawke, Neil & Parpworth, Neil. (1996), Introduction to Administrative Law, London.Sydney, Cavendish.
59. Le Suer, Andrew and Sunkin, Maurice(1997), Public Law, London, Longman.
60. Lewis, Clive and Middel Temple, Barrister. (2004), Judicial remedies in public law, London, Sweet &Maxwell.
61. Leyland, Peter & Anthony, Gordon. (2005), Textbook on Administrative Law, 5th edition, New York, Oxford University Press.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]

62. Manfredi, Christopher and Rush, Mark (2013), Judging Democracy, University of Toronto Press.
63. Molan, M.T (1994), Constitutional and Administrative Law Textbook, 16th edition, London, HLT Publications.
64. Morton, F. L. (1988) "Judicial Review in France: A Comparative Analysis", The American Journal of Comparative Law, Vol. 36, No. 1, Winter.
65. Richardson, Elizabeth C(1996), Administrative Law and Procedure, USA, Delamar.
66. Stott, David & Felix, Alexandra (1997), Principles of Administrative Law, 1st ed, London, Sydney: Cavendish Publishing Ltd.
67. Taylor, G.D.S. (1976), "Judicial Review of Improper purposes and Irrelevant Consideration", The Cambridge Law Journal, 35 (2).
68. Thompson, B. (1993), Textbook on Constitutional & Administrative Law, UK, Blackstone Press Ltd.
69. Wade, E.C.S & Bradley, A.W. (1993), Constitutional and Administrative Law, 11th edition, London, New York, Longman.

٤. منابع فرانسوی

70. Gondouin, Geneviève and Inserguet-Brisset, Véronique and Van Lang, Agathe (2003), Dictonnaire de droit administatif, Paris, Armand Colin, 3rd edition.
71. Jèze. (1944), "La Jurisprudence du Conseil d' Ètat et le Détournement de Pouvoir", Revue du Droit Public; quoted in: Schwartz, B. (2006), French Administrative Law and the Common-Law World ,Clark, New Jersey: the Lawbook Exchange Ltd.
72. Leberton, Gilles. (2007), Droit Administratif Gènèral, Paris, Dalloz.
73. Lombrard, Martine and Dumont, Gilles.(2009), Droit Administratif, 8th edition, Paris, Dalloz.
74. Tifine, Pierre. (2014), Droit administratif français – Deuxième Partie – hapitre 2, Available in:
http://www.revuegeneraledudroit.eu/blog/2013/08/17/droit-dministratif-francais-deuxieme-partie-chapitre-2/

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-09]

[DOI: 10.52547/qjal.8.25.49]